

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه فیل و قریش (جلسه پنجم)

نخستین منبر استاد اخوت ۱۵/۳/۱۸

یک دعای مشهوری هست که در روزهای پایانی ماه شعبان وارد شده است. به این معنی که خداوند اگر گناهان ما را تا حالا نبخشیده‌ای در باقیمانده‌ی ماه شعبان ما را مورد مغفرت قرار بده.

برای این که خداوند ما را مورد مغفرت قرار دهد و موانع رشد ما را برطرف کند صلوات بفرستید.

جلسه قبل بنا شد که دوستان نظرشان را درباره‌ی ادامه مباحث بیان کنند. حدوداً ۱۰ نفر پیشنهادهایی دادند.

جمع‌بندی این است که روند کلاس به این صورت می‌شود که از جزء ۳۰ به سمت ابتدای قرآن می‌رویم تا برسیم به سوره ق. این سوره‌ها یعنی از آخر قرآن تا سوره ق را سور مفصلات نامیده‌اند. برای آموزش قرآن هم سفارش شده است که ابتدا از سور مفصلات شروع بشود.

بعضی از محققان اصرار ویژه به این سوره‌ها دارند و می‌گویند سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آموزش قرآن این بوده است که ایشان با سوره فاتحه آغاز می‌کردند. بعد سوره ناس و از آخر قرآن به ابتدای قرآن می‌آمدند.

فعلاً مبنای جلسه‌مان را براساس همان سیره حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) می‌گذاریم که این سیره در آموزش قرآن حتی بین اهل تسنن مشهور است.

در مورد چگونگی برگزاری کلاس باید بگوییم که تفسیر المیزان را محوریت قرار می‌دهیم. باید چند کار انجام دهیم تا مشارکت اتفاق بیفتد. اول مروری به سوره و واژه‌ها و موضوعات سوره می‌شود.

از سوره ناس تا سوره ق افراد باید حدوداً ۵۰۰ کلمه یاد بگیرند. از مفاد تفسیر المیزان این سوره‌ها اطلاع داشته باشند.

موضوعات سوره‌ها و ترتیب اولویت‌ها را باید بدانند. در واقع نظام موضوعات را باید شناسایی بکنند. روش‌های

تدبری که برای خواندن سوره‌ها پیشنهاد می‌شود را انجام دهند. سوالات‌شان از سوره چه آن‌هایی که جواب داده شده یا جواب داده نشده را یادداشت کنند.

ضمن این کارها باید موضوعات تخصصی که در رشته‌های مختلف پیش می‌آید را مورد مطالعه قرار دهند. باید دایره‌ی موضوعات تخصصی پژوهشی را با سوره‌ها گسترش دهیم. باید بتوانیم سرخط موضوعات تخصصی داشته باشیم. ما فقط موضوعات و چگونگی کار در قرآن را در حد یک صفحه به پژوهشگران می‌دهیم و به این وسیله جریان اتفاق می‌افتد.

باید شیوه‌ی استخراج روش در بیاوریم. ممکن است که ۵ نفر بتوانند این کار را بکنند. در واقع از سوره روش استخراج بشود. ارتباط بین سوره‌ها باهم دیده شود. ارتباط بین کلمات، جملات، کلام، موضوعات و مسائل سوره‌ها بررسی شود. این مجموعه کار سطح کلاس را بالا می‌برد. افرادی که در کلاس هستند باید بتوانند بعد از مدتی به این توان برسند.

مطالب قرآن از ابتدا تا سوره ق در کتاب‌های آسمانی دیگر هست. از سوره ق تا انتهای قرآن مطالبی وجود دارد که خاص قرآن و در هیچ جای دیگر یافت نمی‌شود. به این خاطر این بخش را سور مفصلات نامیده‌اند.

به ذهنم رسید؛ افرادی که در کلاس می‌آیند یک پرونده داشته باشند و پرونده‌شان پیگیری شود. اغلب پیگیری بلد نیستیم در حالیکه پیگیری خیلی مهم است.

تکلیف ماه مبارک رمضان: سوره‌هایی که تا اینجا کار شده حدوداً ۷۰ کلمه دارند. سوره‌های ناس، فلق، توحید، تبت، یاد، کافرون، ماعون، نصر، کوثر، فیل و قریش و همزه خوانده شده. یعنی واژه‌ها، موضوعات، تفسیر این ۱۰ از ۶۰ سوره مفصلات کار شده است. هر واژه‌ای از این سوره‌ها را پرسیدند باید التحقیقشان را بلد باشید. موضوعات تخصصی‌شان را هم احصاء کنید. البته اگر می‌خواهید تخصصی کار کنید. این تکلیف ماه رمضان است.

شیوه استخراج روش و ارتباط بین سوره‌ها در کتاب‌هایی که از این سوره‌ها نوشته شده آمده است.

این ۱۰ سوره را مرور کنید. چون بقیه مطالب ما ذیل همین روش است. از سوره‌ی ناس به بعد یک سری کتاب‌ها تألیف شده است که بعد ماه مبارک ان‌شاءالله به دستتان می‌رسد.

روش، واژه، موضوع، مسئله و کلامی که مورد نظر ماست قدری متفاوت است. روشی که مد نظر است آن چیزی است که بوسیله‌ی آن ما این قدرت را پیدا کنیم در کل قرآن بگردیم و موضوعات را بیاییم و بررسی کنیم. که اگر نبود ما این توانایی را نداشتیم.

از سوره توحید بحث صفت استخراج شد که از یک روش معکوس استفاده شد. به دلیل آنکه خدا صفت ندارد می‌تواند احد، صمد، لم یلد و یولد باشد.

از این قرینه استفاده کردیم و گفتیم خاصیت دارد؛ (۱) تک نیست. (۲) تو پر نیست و نیازمند است. (۳) مبدل است یعنی نتیجه است. (۴) حتما زوجیت دارد.

ما براساس ارتباط بین سوره‌ها اسامی کتاب‌ها را انتخاب کردیم؛ طلوع اثر (فلق)، القا و لقا (ناس)، صفت (توحید)، شاکله (نصر)

یعنی اگر کسی کتاب‌های سوره ناس تا نصر را بخواند یک زنجیره‌ی ارتباط بین سوره‌ای می‌بیند. مجموعاً ۱۰ تا ۱۵ ساعت هم بیشتر وقت نمی‌گیرد که این موضوعات مرور شوند.

باید کسی پیدا شود که این قضیه را سازماندهی کند. البته این کار از من بر نمی‌آید و من نمی‌توانم پیگیری کنم. من اگر بخواهم دفترچه‌ای برای کلاس شبه‌ها داشته باشم از ۴ رنگ استفاده می‌کنم. مثلاً واژه‌ها را در یک دفترچه، نکات تفسیری را در یک دفترچه، نکات روشی را در یک دفترچه و سوالاتم را در یک دفترچه می‌نویسم. به این دلیل که وقتی تعداد سوره‌ها زیاد شود، رنگ می‌تواند کمک کند. یا مثلاً از «وان نوت» استفاده کنید که قابلیت طبقه‌بندی مطالب را داشته باشید.

آقای ساعدی در یک فایل اکسل این جمع‌بندی از سوره‌ها را جمع‌آوری کرده‌اند. بسیار جالب بود. مشخص می‌شود چقدر مطلب سر کلاس گفته شد. اگر مطالب منظم شوند استفاده از مطالب بسیار آسان خواهد بود. اگر هم در دفترچه نوشتید منظم بنویسید که وقتی حجمش زیاد شد قابل دسترسی باشد.

لازمه‌ی عبودیت رب، مشاهدی فعل رب است. منظور از عبودیت، عبودیت آگاهانه است. اگر این فرض را بپذیریم. (در بعضی موارد ما فرض را از سوره می‌گیریم و برای اثبات فرض، استدلال عقلی می‌کنیم. حتماً نباید استدلال را

هم از سوره بگیریم. مواظب باشید اگر کسی از شما پرسید بدانید که الزاما لازم نیست که استدلال را از سوره بگویید)

اگر رویت فعل رب نباشد، عبودیت بی معناست. این یک مسئله‌ی عقلی است. عبد یک معنایی دارد. مثلا هفته‌ی پیش گفتیم که «ع» یعنی علم، «ب» یعنی تمایز، «د» یعنی دنو.

مراتب رویت فعل رب منجر به تنوع یا مراتب عبودیت می‌شود. اگر کسی در رویت فعل ربش، ربش را مشرکانه ببیند عبودیتش مشرکانه خواهد شد. این موضوع مراتب دارد. این نظام جالبی به ما می‌دهد. عبودیت، آموزش دادنی است. زیرا رویت آموزش دادنی است. ما می‌توانیم دیدن را به انسان‌ها را آموزش دهیم.

رویت را می‌توان تربیت کرد. شیطان هم می‌تواند رویت انسان را تربیت کند. این می‌تواند یک مدل باشد. این مدل از سوره قریش استخراج شد. عقل هم همین را می‌گوید.

اگر کسی می‌خواهد عبودیت را به کودک آموزش دهد باید رویت را آموزش دهد. وقتی والدینی جلوی فرزندشان دعوا می‌کنند دارند رویت طغیان را به فرزند می‌دهند. این فرزند نمی‌تواند عبدالله شود چون عبد را رویت نکرده است، طاغوت را رویت کرده است. رویت، فرآیند رسیدن به فهم از راه مشاهده است. رأی و نظر هم همان فهم است. این بحث اگر ادامه پیدا کند به جاهای جالبی می‌رسد.

سوره فیل همه‌اش استفهام است. آیا فعل رب را ندیدی؟ همه‌ی سوره این سوال است. اگر کسی فعل رب را در سوره فیل دیده باشد، در بقیه نعمت‌ها هم می‌تواند فعل رب را ببیند. همان فعل رب بود که ایلاف را ایجاد کرد. علاوه بر انهدام اصحاب فیل، ایلاف قریش هم فعل رب است.

فعل رب یعنی لاحول ولا قوه الا بالله. حول یعنی توان به جریان انداختن و دگرگونی. هیچ ایجاد دگرگونی و هیچ نیروی ایجاد دگرگونی نیست مگر به خدا. فعل یعنی حول و قوه. یکی از کلیدی‌ترین موضوعات نظام تعلیم و تزکیه «رویت فعل رب» است که مراتب دارد و ایجاد مراتب عبودیت می‌کند.

کسی که رویتش به سمت درون باشد، عملش به سمت بیرون است.

کسی که رویتش به سمت بیرون باشد، عملش به سمت درون است.

اگر کسی با خودش قهر نباشد، می‌تواند با دیگران هم قهر نباشد. اگر کسی عیوب خود را ببیند می‌تواند عیوب دیگران را نبیند. هر چه رویت در درون باشد عمل شتاب می‌گیرد و فرد جزء ابرار می‌شود. هر چه رویت در بیرون باشد، فرد از عمل باز می‌ماند. دچار بخل و حسد و قهر می‌شود.

باید رویت برود در درون، تا عمل بوجود بیاید. در نظام آموزشی الان رویت را به بیرون می‌برند و کودک را با دیگران مقایسه می‌کنند. این باعث می‌شود که کودک به عمل نرسد. هر مسابقه‌ای خوب نیست. فرد باید استعدادهای درونی خود را کشف کند تا به عمل برسد. رویت به سمت شیء است و شنیدن به سمت فهم است.

فعال شدن سمع مهم‌تر از فعال شدن رویت است. هر چیزی را که می‌بینید با شنیدن به آن بار ارزشی می‌دهید. رویت‌هایی که به حکم می‌رسند، شنیدن در آن‌ها غلبه دارد. رویت یعنی سمع و بصر.

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۱ اسرا)

چون خدا سمیع بصیر است رویت آیات را نصیب پیامبر (صلی‌الله) می‌کند. رویت درگیر کننده سمع و بصر است. همه‌ی انسان‌ها خدا را عبودیت می‌کنند یا به وجه موحدانه یا به وجه مشرکانه.

سه مدل انسان داریم:

۱ کسی که شریعت به او نرسیده است. این انسان عبودیت تکوینی دارد. غذا و آب می‌خورد و خود را حفظ می‌کند.

۲ انسانی که برایش نظام تشریح آمده و موحد نیست.

۳ انسانی که برایش نظام تشریح آمده و موحد است.

هر انسانی عبودیت دارد. اگر کسی عبد نباشد، رب است. هیچ انسانی رب نیست، پس همه‌ی انسان‌ها عبد هستند. آن طرف واژه‌ی رب، عبد است. همه‌ی مخلوقات عبد هستند.

فعل رب برای فرزند ظهور ولایت والدین است. والدین خلیفه‌ی خدا هستند برای فرزند. خدای فرزند، والدین هستند. اگر والدینی ظلم بکنند، خدای بچه ظالم می‌شود.

بچه‌ای که به سن بلوغ رسیده و والدین خوبی نداشته باشد، باید برگردد و یک پدر و مادر خوب برای خودش بسازد. شب قدر را برای همین گذاشته‌اند. در شب قدر باید فرآیند تربیتی خود را اصلاح کنی و از اول شروع کنی. شب قدر، عید فطر، قربان، محرم، عرفه و ... همه امکانات ترمیم دارند.

بدون فهم ولیّ در روی زمین نمی‌توانی ولایت خدا را بفهمی. نمی‌توانی بدون فهم پدر، رسول الله (صلی الله علیه و آله) را بفهمی. پدر بودن را وجدان کردن، یک رویت درونی است. چه خوب است که ما رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را ندیدیم که حالا می‌توانیم درونی ببینیم. وجدان درونی رسول خیلی باشکوه است.

وقتی می‌گویند که دست پدر را ببوس با همه‌ی نواقصی که یک پدر دارد، به این معناست که تو نماد پدر را می‌بوسی. یک پدر کامل در ذهن خودت داری. حالا دست این پدر را که در خارج هست می‌بوسی ولی در واقع دست پدر کامل را بوسیده‌ای. مثل وقتی که ضریح را می‌بوسی. ضریح که امام نیست.

باور کنید که اگر دست پدرهای بی‌نمازتان را می‌بوسیدید به عرش می‌رسیدید. رویت درونی برایتان اتفاق می‌افتاد. خدا همه‌ی پدرهای عالم را رحمت کند. چون خیلی‌هایشان از فرزندانشان عقب هستند و به فرزند امر و نهی می‌کنند. پس فعل رب در همه جا هست.

فرآیند فعل رب: انهدام که با آن حفظ صورت می‌گیرد. **ایجاد** که با آن حفظ صورت می‌گیرد.

انهدام: کاری که با اصحاب فیل شد.

ایجاد: ایلاف بین قریش.

همه‌ی انهدام‌های عالم بخاطر حفظ و بقاست. فقط مراقب باشید که جزء انهدام‌های عالم نباشید.

از شما می‌پرسند که در شبکه‌ی کودک چه قالبی از رویت را پیشنهاد می‌کنید، جوابتان چیست؟

۱ فیلم

۲ داستان گفتن

۳ برنامه زنده

چه قالب رویتی مناسب است؟ اگر بنا شد رویت درونی باشد. یک طیف از رویت درونی به رویت بیرونی مشخص می‌کنیم. هر چه رویت درونی تری را انتخاب کنید به آموزش دینی نزدیکتر است.

اساسا اگر رویت درونی شود، معرفت دینی می‌شود. دین عبارت نیست از یک سری عبارتهای ارائه شده به انسان‌ها. بلکه عبارت است از نوع مواجهه انسان‌ها با پدیده‌ها.

هر قدر رویت درونی تر باشد، کار دینی تر است. هر چه رویت بیرونی تر شود، معرفت شیطانی می‌شود. پس قالبی را انتخاب می‌کنیم که درونی تر باشد. الان اگر کاری کنید که فردی که جلوی تلویزیون نشسته بلند شود و کاری بکند، این قالب صحیح انتخاب شده است. چون فرد از درون تصمیمی را گرفته است. برنامه‌ها باید شیشان به سمت عمل باشد. یک کار ذوقی هم می‌توان کرد. از رسانه‌ی مشرک متد گرفته شود و برعکسش عملی شود.

رسانه در نظام دینی باید رویت را درونی کند. کار رسانه این است که ذائقه را تغییر دهد. ذات رسانه مشرکانه است چون هدف اصلی‌اش انتقال رویت از درون به بیرون بود. رسانه‌ها می‌گویند که هر سوالی دارید ما جواب می‌دهیم. نمی‌گذارند که یک لحظه انسان با خودش باشد. همه‌ی رسانه‌ها از تلگرام و وایبر و تلویزیون و

شخص حالش بد است، وارد گروه تلگرام می‌شود و می‌گوید حالم بد است؛ باید گفت بنشین یک سوره بخوان، با خودت باش تا حالت خوب شود. خودت یک مقدار فکر کن.

مشاهده درونی باید فعال شود. امیرالمومنین (علیه السلام) یک شب هزار مرتبه قل هو الله می‌خواندند. یعنی باید هزار مرتبه قل هو الله بخوانی و تکرار کنی تا بفهمی. کسی با یک قل هو الله توحید نمی‌فهمد.

این رسانه‌ها عجله در فهم ایجاد می‌کنند. نمی‌گذارند مشاهده درونی فعال شود. اخبار ساعت ۹ بخاطر همین عجله این مدلی شده است. تیترها را همه پشت سر می‌آورد بدون این که ربط مطالب را بگوید. چرا این طور شده است. چون مخاطبش می‌خواهد همه‌ی اخبار تند تند بفهمد. بعد که تیترها را خواند می‌گوید که اگر میخواهید مشروح اخبار را در تحریریه ببینید.

اگر از شما پرسیم که مفهوم جمع یا تفریق را به من نشان دهید شاید هیچ کس نتواند نشان دهد. چون درونی نشده است.

یکی از مشکلات بچه‌ها در آموزش و پرورش تعارض است. مثلاً رشته‌اش ریاضی است ولی مجبور است که فرمول حفظ کند. یک سری فرمول را کشف کرده‌اند و او فقط حفظ می‌کند. هیچ مشاهده‌ی درونی برایش اتفاق نمی‌افتد.

در قالب رسانه داستان نسبت به فیلم معرفتش درونی‌تر است. داستان شخصیت، حادثه و غایت دارد. وقتی کسی داستان گوش می‌دهد در درون خودش شخصیت‌ها را بازسازی می‌کند و فرآیندها را می‌چیند. در فیلم یک نفر شخصیت‌ها را می‌سازد و به خورد بقیه می‌دهد. اگر به شما گفتند که داستان اصحاب فیل را فیلم کنید؛ بدانید که یا فیلمش نکنید یا طوری این کار را انجام دهید که در آخر، شخص به داستان برسد.

ساعت دوم

این کلاس برای تمام مجمع مدارس گذاشته می‌شود به همین خاطر خوراک پایه‌ای همه‌ی مدارس است.

از هر مدرسه‌ای حداقل یک نفر در این جلسه حضور داشته باشد و موضوعاتی که از سوره‌ها استخراج می‌شود را انتقال دهند. ثبت مراحل کار مهم است. ما فقط در این جلسه نکات کلیدی را می‌گوییم.

در ماه مبارک رمضان باید روزه بگیریم. بعضی‌ها بخاطر تابستان شرعا برایشان حرام است از خانه بیرون بیایند چون توانایی ندارند و نمی‌توانند هم بیرون بیایند و هم روزه بگیرند به همین دلیل جلسه‌ی ما در ماه رمضان تعطیل است. به صرف این که روزه فشار می‌آورد نمی‌توان از روزه ماه رمضان گذشت. باید مراعات‌های لازم انجام شود تا حرمت ماه رمضان حفظ شود.

پیرامون بحث شبکه‌های مجازی باید توضیحی دهم که البته مربوط به شخص خاصی نبوده و یک آفت کلی است. کسی ناراحت نشود. بسیاری از انحرافات در جامعه بخاطر این شبکه‌های مجازی است. از هر ۱۰۰ شبکه مجازی ۱ یا ۲ شبکه هستند که مفید باشند. حتی شبکه‌های مدرسه قرآن را هم توصیه نمی‌کنم. نوعا نسنجیده است. یک فکر سازماندهی شده پشت این کار نیست. حتی آقای ساعدی بخاطر هزینه زیاد پیامک‌ها می‌خواستند یک شبکه‌ی اطلاع رسانی تشکیل دهند که بنده گفتم فعلا دست نگه دارند.

کاری که خانم شهیدزاده درباره‌ی عبودیت انجام دادند را بد نیست که مشاهده کنید. هم تقدیری از ایشان بشود و هم توفیقات‌شان از خدا خواسته شود. اسم کارشان شاخص‌های عبودیت است. روایت جلسه‌ی قبل را مفصلا آورده‌اند و بعنوان شاخص مطرح کردند.

اصل روایت را با ترجمه آورده‌اند. بصورت نمودار مطالب را دسته‌بندی کردند. واژه‌ی عبد را آورده‌اند. بحث فلسفه‌ی عبودیت را آورده‌اند. مراتب عبودیت در قرآن را آورده‌اند. مراتب عبودیت در قرآن یعنی مراتب رویت فعل رب در قرآن.

با توجه به صحبت‌های امروز می‌توان بحث رویت رب را اضافه کرد. مثلا «افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت» یا سوره فجر را می‌توان به این بحث اضافه کرد و مدل درآورد.

در شاخص‌یابی در رشته روان‌شناسی و جامعه‌شناسی اولین کار استخراج قانون است. مثلاً ما می‌فهمیم که بین دو صفت عجله و کندی ارتباط هست. کشف رابطه می‌کنیم بین دو موضوع. یک شاخص بین اقدام و عمل در می‌آوریم. احتیاج به چند گویه داریم تا درصد بگیریم. اول سن را مشخص می‌کنیم.

اگر کسی بخواهد عبودیت را تبدیل به پرسش‌نامه کند. ۴ تا ۷ تا شاخص لازم دارد. برای هر کدام از این موارد باید سن مشخص شود. و واژه‌های روایت را برایش روشن کرد تا مفهوم صبر و تسلیم و خوف و ... را بفهمد و پرسش‌نامه را پر کند.

در مرحله بعد باید گویه‌ها را به چند صاحب نظر و استاد دانشگاه ارائه دهیم تا قضاوت کنند که گویه‌ها منظور را می‌رسانند یا نه. گویه با خرد عمومی استانداردسازی شود.

یک پرسشنامه‌ی ۱۰۰ سوالی آماده می‌شود که نسبت انسان با عبودیت تام را نشان می‌دهد و در صد می‌دهد.

بعضی دوستان مطرح کردند که نمی‌توانند چند کلاس شرکت کنند و تکالیف را انجام دهند، سوالشان این بود که می‌شود یک کلاس بیابند و روند رشدشان در آن کلاس را متوجه شوند.

جواب این است که اگر شما یک کلاس بیابید و اطلاعاتش را بصورت منظم ثبت کنید، مرور و پیش مطالعه داشته باشید بعد از مدتی متوجه می‌شوید که خیلی یاد گرفته‌اید. علت سردرگمی ما این است که ثبت نمی‌کنیم. یادگیری انسان مرحله‌ای است. ۴ ساعت کلاس برگزار می‌شود. شما نیم ساعت اول را می‌فهمید بقیه‌اش باید ثبت شود و مرور شود. این که شما ۴ ساعت سر کلاس می‌نشینید معجزه‌ی قرآن است و این که ۴ ساعت کلاس را می‌فهمید، نزول ملائکه است. در حالت عادی بین ۲۰ تا ۴۵ دقیقه یادگیری ادامه دارد. شما گیرایی خوبی دارید ولی ثبت ندارید. اگر ثبت کنید و مرور کنید فوق العاده است. در لابه لای دفترهای شما مطالب جالبی وجود دارد که من دلم می‌خواهد مرور کنم. اگر دفترهایتان کامل نیست، کامل کنید. تعداد مطالبی که بلد هستید را احصاء کنید.

در ماه رمضان اگر با رویت فعل رب آیات را ببینید یا عبد را در قرآن ببینید خیلی جالب است. هم‌افزایی ایجاد می‌شود.

پس جمع‌بندی این شد که زیاد کلاس رفتن و زیاد خواندن، انسان را عالم نمی‌کند. زیاد «نیاز داشتن» و «ثبت دقیق» انسان را عالم می‌کند. ممکن است کسی یک کلاس بیاید و نیازمند باشد و ثبت دقیق داشته باشد، این انسان می‌تواند تمام سوالات را پاسخ دهد.

قرآن نظیر ندارد و قابل مقایسه با دیگر سیرهای مطالعاتی نیست. قرآن، رویت درونی به انسان می‌دهد. من کتاب‌های شهید مطهری، دستغیب، بهشتی و ... را خوانده‌ام و نت برداری کردم ولی می‌گویم سوره ناس چیز دیگری است.

مطالعه‌ی انبیا، مشاهده آفاق و انفس است. همه چیز می‌تواند عرصه‌ی مطالعه شود اگر نظام ادراک انسان درست شود البته بوسیله قرآن. می‌توان کتاب هستی را خواند. علما ۴ ساعت به یک‌جا خیره می‌شدند و آن پدیده را مطالعه می‌کردند. مطالعه باید به سمت رویت درونی برود. همین یک کلاس را درست بیایید، ثبت کنید و مشارکت داشته باشید، می‌توانید همه چیز را مطالعه کنید.

سوال : چگونه علم خود را تبدیل به علم فعال کنیم؟

جواب: کثرت مراجعه و حضور، علم را فعال می‌کند. مثلاً من می‌پرسم گناه چیست. اگر طبقه‌بندی داشته باشید می‌توانید تعریف کنید. می‌توانید گناه هر سوره را بصورت جدا تعریف کنید. مثلاً تعریفان با توجه به مطالب امروز می‌تواند این باشد: عدم درک حضور رب بزرگترین گناهی است که از عبدی می‌توان صادر می‌شود. مثلاً می‌خواهم به بچه بگویم گناه نکن. می‌گویم: اگر چیزی را دانستی خوب است، بگویی خوب نیست این گناه است. تعاریف می‌توانند سطح داشته باشند.

به نظر می‌رسد ثبت دستی علم را درونی می‌کند. در ثبت دستی هم اگر نظم باشد پیدا کردن مطالب ممکن می‌شود. اگر به سمت این بروید که ثبت کنید بعد از مدتی می‌بینید که دیگر لازم نیست ثبت کنید و ثبت برایتان، درونی می‌شود.

خیلی از حرف‌های ما یا تکراری است، یا بیهوده است و یا از واژه‌های غیر معقول استفاده می‌کنیم. اذا تم العقل نقص الکلام. عقل وقتی کامل شود، کلام کوتاه می‌شود. سخنرانی دو ساعته به نیم ساعت تقلیل می‌یابد. گاهی اوقات انسان باید حرفی را که می‌خواهد به کسی بزند را بنویسد. نوشتن انسان را از تکثر به وحدت می‌رساند.

امروز سوره‌های قبل را مروری کنیم.

هر سوره‌ای بسم الله دارد. مطلع، ادامه و انتهایی خاص دارد. سوره همزه مثل سوره مطففین با ویل شروع می‌شود و در ادامه شخصیت سوره را معرفی می‌کند. در ادامه مثل سوره مطففین نیست. هیچ سوره‌ای مثل سوره همزه تمام نمی‌شود.

به این موضوع که هر سوره چگونه شروع می‌شود، چگونه ادامه می‌یابد و چگونه تمام می‌شود را «روش سوره» می‌گوییم. شیوه‌ی بیان مطلب به مخاطب همان «روش» است. «روش» چیزی جدای از سوره نیست.

(صوت سوره‌های گذاشته شد و تفاوت شروع، ادامه و پایان سوره‌ها مطرح گردید)

مثلا سوره قریش با جارومجرور شروع شده است.

سوره همزه با ویل لکل همزه لمزه شروع شده است. مخاطب می‌تواند پیامبر(صلی الله) باشد. یعنی پیامبر(صلی الله) تو شاهد باش که وای بر همز و لمز کننده. این سیاق خطاب است یا به تو و یا به رسول(صلی الله).

سوره ماعون هم با استفهام شروع شد.

چند نکته:

از تغییر سیاق سوره‌ها می‌فهمیم که خداوند هر پیامی را به گونه‌ای به انسان ابلاغ می‌کند. به شیوه‌ای خاص و به روشی گوناگون. بین ابلاغ پیام، محتوای آن و غرض خداوند از کلام رابطه‌ای هماهنگ وجود دارد. کشف این رابطه به ما می‌فهماند که در عرصه‌ی تعلیم و تعلم باید روشمند عمل کنیم.

هر چیزی را به هر کسی و به هر طریقی نباید گفت. هر سوره همراه با محتوایی که دارد، قالبی هم ارائه داده است. باید قاعده‌ها و قالب‌ها را از مفصلات یاد بگیرید. سوره‌ها لحن و قالب و محتوا به انسان می‌دهند. برای کشف قالب بیان لازم است به سیاق ادبی سوره توجه ویژه شود. هر سیاق ادبی خود به واحدهای معنایی تبدیل می‌شود.

فعل امر قل + فعل متکلم وحده

فعل امر قل + خطاب

ویل + ل + الذی

کلاً در سوره علق و فجر

در حال حاضر شما دارید این توان را می‌آموزید که هرگاه از این به بعد سوره‌های جزء ۳۰ را خواندید، روش استخراج کنید.

مثلاً اگر محتوای سوره آسیب‌های اجتماعی بود + پناه بردن، سبک این محتوا را بایستی به روش سوره فلق یاد بگیریم و یاد بدهیم. متکلم باید عامل باشد و از طریق عمل خویش اعلام موضع نماید. اگر با این دید نهج البلاغه بخوانید می‌بینید که لحن و محتوای حضرت امیر (علیه‌السلام) مثل قرآن است.

در سوره‌های کوتاه کشف روش آسان‌تر است. در ماه رمضان بنا شد ۱۰ سوره را مرور کنیم. برای مرور باید این چند کار را انجام دهید.

۱. واژه‌های سوره‌ها را باید از مفردات و التحقیق استخراج کنید.
۲. تفسیر المیزان سوره‌ها را مطالعه و نکات خاص تفسیر را بدانید. محل اختلاف و نظر علامه در این موارد را بدانید.
۳. قالب ادبی سوره‌ها را احصاء کنید و واحدبندی کنید. به نحوی که اگر گفتیم قالب سوره همزه چه بود بگویید که ویل + الذی + کلا + الذی یعنی در قالب همزه غلبه با موصول است.
۴. غرض هر یک از سوره‌ها به تفصیل نوشته شود. مثلاً سوره فلق: خبر از آگاهی دادن مردم به پناه پیامبر (صلی‌الله) از آسیب‌های اجتماعی که به شکل موضع‌گیری به آن‌ها ابلاغ داده می‌شود.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات